



روزنامه شهر امید و زندگی

۲۲ SHahrARANEWS

۱۲ ۵شنبه ۱۳۹۸ ۱۳ ۲۰

۱۶ صفحه + ۴ صفحه ورزشی
۲۴ صفحه ویژه شهر آرا مطالعه
۲۲ اسفند ۱۳۹۸ | ۱۷ رجب ۱۴۴۱
شماره ۳۰۶۶ | ۷۰۰ تومان

گزارش از قرنطینه

گزارش خبرنگار شهر آرا درباره قرنطینه خانگی اش در روزهای اوج کرونا

۵۷

شهردار مشهد:

اگر در خانه نمایم، پشیمان می شویم

احتمال افزایش تعداد مبتلایان به کرونا در استان در روزهای آینده

۱۱



عضوهیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد در گفت و گو با شهر آرا:

دست دولت برای کنترل

تبعات اقتصادی کرونا بسته است

۵۶



دبیر سومین جشنواره هنرهای شهری مشهد از آماده شدن بخش عمده یادمان ها خبر داد

۹۰ هزار متر نقاشی دیواری در شهر

۵۵

نگاهی به فیلم هایی که این روزها توانسته اند مخاطبان بسیاری را با خود همراه کنند

دست پر شبکه نمایش خانگی

۵۵

از وبا تا کرونا

مروزی بر تاریخ شیوع بیماری های واگیرداری که جان افراد بسیاری را در مشهد گرفته است

۵۳

لابه لای تراژدی و کمدی

معرفی چندرمان برای روزهای قرنطینه

۵۴

سلام نوروزی از خانه

آستان قدس رضوی از برگزاری مراسم تحویل سال ۱۳۹۹

در حرم مطهر امام هشتم (ع) به صورت غیر حضوری خبر داد

۱۵

نوروز فرصتی برای پیروزی در برابر کروناست

رئیس جمهور در جلسه هیئت دولت:

یک در ۷۲ هزار

شیوع کرونا در خراسان رضوی و مشهد رو به افزایش است

۱۵



گفت و گو با کوبا احسان اصولی؛ از ورودش به فوتیال تا نامزدی شهردار در انتخابات فدراسیون مهم مدیریت است نه اینکه چقدر بازی کرده ایم

ورزشی ۵۴



آمدن و رفتن پیوسته

روایت هایی درباره ترهیمینال شهرمان که میزبان قصه های زیادی بوده است

۱۳

باشگاه ورزشی ثابت

ویژه بانوان

Cross Fit, 4/DPRO, TRX

دارای لوکس ترین دستگاه های ورزشی منطبق با برندهای مشهور جهانی

جدید ترین رشته های ورزشی و برهیجان با استفاده از تجهیزات استاندارد

آموزش زیر نظر مربیان مجرب دارای مدارک بین المللی از کشورهای آلمان و ایتالیا

مشهد: بلوار وکیل آباد بین وکیل آباد ۵۵ و ۵۷ پلاک ۱۱۵۹

تلفن تماس: ۳۸۶۵۱۷۰۵

@sabet_gym

۱۲۲ سفند روز نزرگداشت شهدا بر آحاد مردم

بویژه اسوه های صبر، مقاومت و ایثار مبارکباد

روابط عمومی

نگاه روز

ایمنی شهری با تأکید بر بحران کرونا در کلان شهرهای ایران

تجربه شهرهای بی دفاع تاریخ همچون رم، لندن، پاریس، برلین و... نشان داده است که این شهرها در هنگام وقوع رخدادهایی همچون جنگ، شیوع امراضی مثل طاعون و وبا... و دیگر نابسامانی ها و تهدیدهای زیستی انسانی، همواره از آسیب روانی بیش از ضربه ناشی از اصل رویداد، صدمه دیده اند و در سال های پس از هر بحران، تاملت مدیدی، تلاش های زیادی را صرف باز پروری ابعاد روانی جامعه شناختی شهروندان و انسان های ساکن در فضاهای شهری کرده اند. واقعیت این است که شهرها به عنوان کانون های تمرکز مذهب، ثروت، قدرت، صنعت و سیاست در کشورهای در حال توسعه، هیچ گاه نتوانسته اند عملکرد مناسبی به هنگام بروز فاجعه داشته باشند و همواره کانون های اصلی خسارت و تهدید بوده اند. شاید علت این امر را بتوان در تمرکز غیراستاندارد زیرساخت ها، برنامه ریزی ناهمگون با سنت اندیشی و عافیت طلبی، بی توجهی به آرای علمی و نظرات ناسازگار با دیدگاه غالب دست اندر کاران شهری و سیاسی و روی خوش نشان ندادن جامعه به متخصصان حوزه های مرتبط به ویژه در شهرهای کشورهای جهان سوم و نیز ایران، جست و جو کرد؛ به نحوی که یکی از مسائل اصلی در حیات جامع شهری در کشورهای آسیب پذیر همچون ایران را می توان وقوع رویدادهای غیر همسو، برخورد جریانی و گروهی با موضوع، بسیج نشدن منابع و زیرساخت ها برای مقابله با مشکلات، حکمروایی نامناسب شهری، بخشی عمل کردن نهادهای مسئول، بی توجهی به مدیریت یکپارچه بحران و اطلاع رسانی محدود درباره مسئله دانست که خسارت ناشی از بحران های طبیعی یا انسانی را دوچندان می کند.

این مقدمه، باید گفت که کشور ایران با دارا بودن وضعیت راهبردی در منطقه خاورمیانه، همواره در معرض تهدیدهای جدی از سوی قدرتهای منطقه ای و فراملی در اشکال مختلف آن اعم از تهدید سخت (جنگ)، نابودی زیرساخت ها و... یا تهدید نرم (جنگ روانی، تهدیدهای بیولوژیک، کاهش مقوله ذهنی و ایمنی و...) بوده است. در این بین، پیوند مقوله های ایمنی و امنیت شهری با مفاهیم امنیت ملی، شهرها

ادامه ۵۸

یادداشت

من هم چند روز آخوند بودم!

شنبه | منتظر جنس هایی که برداشته ام حساب کنم. فروشنده به مشتری جلوتر از من که کارتش را در دست گرفته است و می خواهد حساب کند می گوید: کارت رو بده! مشتری جواب می دهد: کارت رو نباید دست به دست کرد. کارت خوان را بگذار جلو! واقعا چقدر خوب است این آگاهی و مراقبت عمومی. کاش در همه عرصه ها با اطلاع رسانی و آموزش، چنین بشود و خود مردم این طور با وسواس و دقت مراقبت کنند!



حجت الاسلام محمدرضا زاری مدرسین مسائل فقهی

یکشنبه | در شعبه یکی از بانکها منتظر رسیدن نوبتم هستم که شماره قبیل از من اعلام می شود. پیرمردی است از کارگران پاکبان شهرداری که با لباس کار آمده است تا یک دسته پول نقد را به حسابش بگذارد. خانم متصدی باجه بانک با احترام راهنمایی اش می کند و مودبانه کارش را انجام می دهد. وسط خبرهای تلخ این روزها و صحنه های ناپسندی که در زندگی روزمره می بینیم، این صحنه نقطه ای نورانی و سپید است، یک نقطه روشن در میان تاریکی ها.

دوشنبه | راننده خودروی که من را از محل کار سوار کرده است می گوید: من یک وقتی چند روز آخوند بودم! یک بار آخر شب مسافری روحانی از فرودگاه سوار کردم و چون خسته بود عقب خودرو خوابید و موقع پیاده شدن هم آن قدر خواب بود که با عجله پولش را داد و رفت. فردا صبح که دو سه نفر مسافر سوار کردم، دیدم خیلی به من احترام می گذارند و موقع حساب کردن کرایه هم بیشتر پول دادند و گفتند: حاج آقا، خیلی آقایی! خیلی مردی! باورمان نمی شد یک روحانی مسافر کشی کند!

تازه متوجه شدم که حاج آقا دیدش عمده اش را جا گذاشته است! خلاصه تا چند روز بعد که دوباره مسافری به مقصد حوالی منزل آن روحانی پیدا کنم و بتوانم عمده اش را پس بدهم، آن عمده روی صندلی عقب بوده و کلی باعث پرکت کار من می شد چون خیلی از مسافرها خوششان می آمد و هم درد دل می کردند و مهم کرایه را بیشتر می دادند!

سه شنبه | پیرزنی که روی صندلی عقب تاکسی کنار من نشسته از شوهرش شکایتی است که زن صیغه ای دارد و بعد از عمری احساس شادابی می کند. پیرزن می نالد: برای ولنتاین به او کادو داده! بعد سر در دلش بازی می شود که بیکار است و پول نمی آورد! چند روز قبل مجبور شدم برای خرج خانه تلویزیون و میز تلویزیون را بفروشم! پیرزن اهل یکی از روستاهای شمال است و از زن های جوان تهرانی با اوصافی یاد می کند که خنده ام می گیرد و البته نمی توانم بنویسم!

چهارشنبه | سرم توی کتاب است که مسافری میان سال کنار من می نشیند و در عین حفظ فاصله، کنجکاو است که کتاب را ببیند. از پشت ماسکی که به صورت دارد درست چهره اش را نمی بینم. سردی است حدودا شصت ساله با تهی سفید. عنوان عربی روی جلد را به درستی می خواند و چون تعجب مرا می بیند می گوید: من ۸ سال اسپر بودم! بعد شرح می دهد که زبان عربی را در دوران اسارت آموخته و بعد که حرف هایمان گل می اندازد، بحث کرونا و مراقبت های بهداشتی می شود. می گوید: حاجی، پرهیز و بهداشت و ضد عفونی اصل کار است و قبول، ولی در کنار همه این ها باید...

ادامه ۵۸